

درآمد ادروشنایی

دختری در پناه پلیس

آن قدر تحت تاثیر جملات عاشقانه و فریبنده دوست برادرم قرار گرفته بودم که با یک تصمیم احمقانه از خانه فرار کردم و به خانه آن ها رفتم تا به قول خودش مرا خوشبخت کند اما...

به گزارش روزنامه خراسان، دختر ۱۹ ساله در حالی که بیان می کرد نمی دانم چگونه از این مخمصه وحشتناک خودم را نجات بدهم به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: به تازگی وارد دانشگاه شده بودم و از خوشحالی در پوست خودم نمی گنجیدم چرا که پدرم همواره آرزو داشت من به دانشگاه راه پیدا کنم و ادامه تحصیل بدهم. در همین روزها بود که متوجه نگاه های معنادار امیرعلی شدم. او به خاطر دوستی با برادرم از مدت ها قبل به خانه ما رفت و آمد داشت. پدر و مادر من نیز از روی دلسوزی مانع رفت و آمد او به خانه ما نمی شدند. مادر امیرعلی طلاق گرفته بود و برای تامین مخارج زندگی، دو شیفت کاری می کرد، در این میان امیرعلی هم همواره به رابطه صمیمانه بین اعضای خانواده ما غبطه می خورد و آرزو می کرد روزی چنین خانواده ای داشته باشد.

خلاصه من هم نفهمیدم چگونه اسیر نگاه های امیرعلی شدم و به او دل باختم. ارتباط پنهانی من و او در حالی شروع شد که هیچ گاه فکر نمی کردم قدم در مسیری اشتباه گذاشته ام. طولی نکشید که مادر امیرعلی به خانه ما آمد و از من برای پرسش خواستگاری کرد، اما پدرم وقتی این موضوع را شنید بسیار عصبانی شد و دیگر اجازه نداد امیرعلی به منزل ما رفت و آمد کند چرا که معتقد بود او با فکارتی خاص و در خانواده ای آشفته رشد کرده است و نمی تواند شریک زندگی مناسبی برای من باشد، از سوی دیگر من که دل باخته او بودم نمی توانستم با نصیحت های پدرم کنار بیایم. جملات عاشقانه و فریبنده امیرعلی نیز دلنشنگی های مرا بیشتر می کرد به طوری که دیدارهای پنهانی ما به کوچ و خیابان کشید و من به اهر بهانه ای از خانه بیرون می رفتم تا علاقه ام را به او ابراز کنم، بالاخره آن قدر تحت تاثیر حرف های عاشقانه و احساسی او قرار گرفتم که با یک تصمیم نسنجیده از خانه فرار کردم و به خانه آن ها رفتم. مادر امیرعلی از من استقبال کرد و با بیان این که پسر من تو را خوشبخت می کند، مرا در خانه پنهان کردند، از سوی دیگر متوجه شدم پدر و مادر من با نگرانی خاصی در جست و جوی من هستند و به هر جای می روند، این در حالی بود که مادر امیرعلی نیز ادعای کرد هیچ خبری از من ندارد در حالی که من بسیار مضطرب و نگران بودم امیرعلی تا پاسی از شب به دنبال رفیق بازی و خوشگذرانی با دوستانش بود به طوری که حتی پول توجیبی اش را از مادرش می گرفت. در این شرایط بود که متوجه اشتباه بزرگم در زندگی شدم و با ندامت به دنبال راه چاره ای بودم که ناگهان جملات یکی از مشاوران نیروی انتظامی به خاطر ام آمد که در مقطع دبیرستان برای ما از آسیب های دوستی های خیابانی و عشق های هوس آلود دوران نوجوانی می گفت، او تاکید می کرد که هر گاه در چنین محصله ای افتادید بهترین راه آن است که به پلیس پناه ببرید و از مشاوران دایره مددکاری کمک بخواهید. به همین خاطر یک روز صبح وقتی مادر امیرعلی از خانه بیرون رفت و او نیز در خواب بود به آرامی از منزل آن ها فرار کردم و خودم را به کلانتری رساندم تا مرا ایاری کنند.

گزارش خراسان حاکی است با دستور سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) بررسی های کارشناسی و مشاوره ای در این باره آغاز شد و این ماجرا با دعوت از خانواده دختر جوان از نظر قانونی بررسی شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری

خراسان رضوی



قاتل فراری

بنام حیدر قوی فرزند احمد ساکی روستای اوتان
از توابع چناران **دو نفر** را به صورت مسلحانه در تاریخ ۷/۲/۱۳۹۹ به قتل رسانده است. در اجرای دستور قضایی، در صورت مشاهده با پلیس آگاهی چناران تماس و مژدگانی عالی دریافت نمایید.
تلفن افسر پرونده آگاهی مافدی ۰۹۱۳۵۹۱۴۸۷
تلفن رئیس آگاهی کلپار هراتی ۰۹۱۹۱۰۸۳۱۰۴
تلفن آگاهی چناران ۰۵۱۴۶۱۲۷۳۲۲
تلفن آقای خانی ۰۹۳۷۰۱۳۶۷۳۲

صفحه آرایی
واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com



دعوی ۲ کودک و مداخله بزرگ ترها، حادثه هولناکی را رقم زد

لگد مرگبار در آتش خشم!

بررسی های دقیق پزشکان قانونی برای تعیین علت مرگ کودک ۱۱ ساله آغاز شده است

دستم او را هل دادم و گفتم «گم شو!» ولی هیچ ضربه ای به او نزنم!

بنا بر گزارش خراسان، در پی اظهارات متهم ۲۲ ساله که با حضور کارآگاهان تاپاسی از شب ادامه یافت، قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد دستور داد تا وی برای انجام بازجویی های تخصصی در خراسان رضوی نیز با دستور مقام قضایی وارد عمل شدند و این گونه عمد پلیس آگاهی قرار گیرد.

طولی نکشید که بررسی های کارشناسی با شیوه فنی به سرپرستی سروان «اسماعیل عظیمی مقدم» در پلیس آگاهی آغاز شد و متهم این پرونده به وارد آوردن ضربه ای با لگد به کودک ۱۱ ساله اعتراف کرد. او گفت: وقتی دیدم «بنیامین» برادرم را می زند، در یک لحظه نتوانستم خودم را کنترل کنم و لگدی بر پیکر او زدم...

بنا بر گزارش روزنامه خراسان، تحقیقات پلیس در پرونده مرگ مشکوک این کودک ۱۱ ساله در حالی با دستورات ویژه و راهنمایی های قاضی صفری ادامه دارد که بررسی های دقیق پزشکان قانونی برای تعیین علت مرگ وی آغاز شده است. به همین دلیل و تشخیص علت دقیق مرگ، متهم ۲۲ ساله با صدور قرار قانونی در بازداشت به سر می برد.

و تاسف بار را به قاضی ویژه قتل عمد اعلام کردند و به این ترتیب با حضور شبانه قاضی دکتر صادق صفری در مرکز درمانی، بررسی های قضایی در این باره آغاز شد. با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، بی درنگ گروهی از کارآگاهان ورزیده اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی نیز با دستور مقام قضایی وارد عمل شدند و این گونه دامنه تحقیقات به محل گلاویزی دو کودک کشید.

دقایقی بعد و با اظهارات برخی از شاهدان عینی، دستور دستگیری «وحید» (جوان موتور سوار) صادر عینی، سوار بر موتور سیکلت شد و به کارده، متهم ۲۲ ساله را در منزل مسکونی دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند.

متهم این پرونده که دیگر مقابل قاضی ویژه قتل عمد قرار گرفته بود در بازجویی ها مدعی شد: من وقتی برادرم «سعید» را دیدم که با «بنیامین» در گیر است بلافاصله آن ها را از هم جدا کردم چرا که «بنیامین» خودش را روی برادرم انداخته بود و نمی توانست نفس بکشد. من هم زمانی که «بنیامین» را بلند کردم «سعید» را از زیر دست و پاهای او بیرون آوردم، فقط با



متهم

بی درنگ از روی موتور سیکلت پایین آمد و در حالی که موتور سیکلت را به ترک نشین می سپرد به یاری برادرش رفت و با لگدی که بر پیکر بنیامین ۱۱ ساله زد، به این درگیری کودکانه پایان داد، اما در همین هنگام پاهای «بنیامین» شل شد و زانوهایش روی زمین قرار گرفت. هنوز پیشانی کودک بی گناه به زمین نرسیده بود که ناله اش سکوت را شکست.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است «وحید» نیز که برادرش را از زیر پیکر کودک ۱۱ ساله بیرون کشیده بود، دوباره در مقابل چشم شاهدان عینی، سوار بر موتور سیکلت شد و به همراه «ح» از محل گریخت. اهالی محل با دیدن این صحنه دلخراش، به یاری بنیامین آمدند و او را روی زمین دراز کردند، ولی کودک ۱۱ ساله حال وخیمی داشت. این گونه بود که دقایقی بعد امدادگران اورژانس هم از راه رسیدند و پیکر نیمه جان «بنیامین» را به بیمارستان طالقانی مشهد انتقال دادند، اما تلاش های کادر درمان برای نجات این کودک به نتیجه نرسید و او جان خود را از دست داد. ساعتی بعد ماموران پاسگاه انتظامی سد کارده، ماجرای این حادثه هولناک

سیدخلیل سجادپور - جوان موتور سوار ی با مشاهده یک کودک که با برادر کوچک تروی گلاویز شده بود، ناگهان آتش خشم و جودش را فراگرفت و با ضربه لگدی که بر پیکر کودک ۱۱ ساله فرود آورد حادثه هولناکی را در مشهد رقم زد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، اوایل شب دوشنبه گذشته در حالی که تعدادی از اهالی روستای مارشک در مسجد روستا بودند برخی از کودکان و نوجوانان نیز در بیرون از مسجد با یکدیگر بازی می کردند. در انشای همین بازی های کودکانه و در یک لحظه دو کودک ۱۰ و ۱۱ ساله با یکدیگر گلاویز شدند، به طوری که گویی در تشک کشتی با هم سرشاخ شده اند. «بنیامین» (کودک ۱۱ ساله) که جثه ای بزرگ تر از «سعید» داشت تلاش کرد تا او را روی زمین بیندازد. هنوز درگیری کودکان در میان نگاه های دیگر هم سن و سالان خودشان ادامه داشت که ناگهان جوان ۲۲ ساله موتور سوار در حالی از راه سید که یکی از بستگانش نیز بر ترک موتور سیکلت او نشسته بود. وحید (جوان موتور سوار) وقتی برادر ۱۰ ساله اش را دید که زیر دست و پای «بنیامین» قرار گرفته است، شعله های خشم از وجودش زبانه کشید. او

دستگیری شرور مسلح در جنوب کشور

ضبط شد. وی خاطر نشان کرد: این متهم خطرناک، طی سال های اخیر، سابقه شرا ت های متعددی از جمله قتل مسلحانه، گروگان گیری مسلحانه، تیراندازی های متعدد و قدرت نمایی با سلاح در پرونده سیاه خود به ثبت رسانده است. این مقام قضایی گفت: این شرور سابقه دار در آخرین شرا ت خود در چند ماه اخیر اقدام به آتش زدن چهار دستگاه ماشین آلات سنگین در یکی از معادن جنوب استان کرمان با هدف ایجاد رعب و وحشت، اخاذی و اخلا ل در نظام تولید و صنعت کرده بود. این مقام قضایی با قدر دانی از هوشیاری و عملکرد جهادی سربازان گمنام امام زمان (عج)

تو کلی - شرور مسلح و خطرناک جنوب کشور در مخفیگاهش به تور سربازان گمنام امام زمان (عج) افتاد. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان عنبرآباد در تشریح جزئیات این خبر بیان کرد: با اقدامات منسجم اطلاعاتی از سوی سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان کرمان، این متهم چهارشنبه شب در مخفیگاهش در یکی از شهرهای جنوبی دستگیر و بازداشت شد. قاضی ابراهیم سلیمانی ادامه داد: در این عملیات یک قبضه سلاح جنگی به همراه مقادیری مهمات از متهم کشف و

ضبط شد. وی خاطر نشان کرد: این متهم خطرناک، طی سال های اخیر، سابقه شرا ت های متعددی از جمله قتل مسلحانه، گروگان گیری مسلحانه، تیراندازی های متعدد و قدرت نمایی با سلاح در پرونده سیاه خود به ثبت رسانده است. این مقام قضایی گفت: این شرور سابقه دار در آخرین شرا ت خود در چند ماه اخیر اقدام به آتش زدن چهار دستگاه ماشین آلات سنگین در یکی از معادن جنوب استان کرمان با هدف ایجاد رعب و وحشت، اخاذی و اخلا ل در نظام تولید و صنعت کرده بود. این مقام قضایی با قدر دانی از هوشیاری و عملکرد جهادی سربازان گمنام امام زمان (عج)

دوربین مدار بسته راز سرقت دروغین ۴ شمش طلا را برملا کرد

آن ها سراغ دوربین های مدار بسته اطراف محلی رفتند که طلا فروشان کیفی ادعا کرده بودند در آن محل سرقت صورت گرفته است، اما بازبینی دوربین ها وقوع هیچ سرقتی را نشان نمی داد. از سویی زمانی که مأموران می خواستند از راکب پیک موتوری که مدعی بود از او سرقت شده است، تحقیق کنند، دریافتند که مرد جوان محل زندگی اش را تغییر داده و هیچ رد و نشانی از او در دست نیست.

کنار هم قرار دادن مدار ک پلیسی و ادعای مرد صراف حکایت از آن داشت که مردان طلا فروش کیفی واقعیت را نگفته و با مطرح کردن این ماجرا، قصد صحنه سازی داشته اند.

به این ترتیب به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت، تحقیقات از مردان فروشنده طلا ی کیفی دوباره انجام شد و در این مرحله از تحقیقات، آن ها که با مدار ک پلیسی مواجه شده بودند، به سناریوی دروغین سرقت اعتراف کردند.

یکی از آن ها گفت: ما پول شمش ها را حدود دو ماه قبل پرداخت کردیم اما شاهرخ از تحویل شمش ها امتناع می کرد و دو ماه بعد آن ها را تحویل داد که یک میلیارد تومان به ما خسارت وارد شد. از شاهرخ خواستیم ضرر و زیان ما را جبران کند، اما قبول نکرد. ما هم چنین سناریویی را مطرح کردیم تا شاهرخ بازداشت شود و از او انتقام بگیریم.



از سوی مردان طلا فروش باشد که از من انتقام بگیرند. از آن جا که من با تأخیر شمش ها را به آن ها تحویل دادم، از من کینه به دل گرفته اند. حالا هم برای گرفتن انتقام و رسیدن به خسارت شان، چنین موضوعی را مطرح کرده اند. در حالی که مرد صراف چنین ادعایی داشت، تیم تحقیق با دوسناریوی متفاوت مواجه بود. در اقدام بعدی،

شاهرخ برای انتقام گیری چند نفر را اجیر کرده است تا شمش ها را سرقت کنند. با شکایت سه طلا فروش کیفی، تحقیقات به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت آغاز شد. در نخستین گام، کارآگاهان اداره آگاهی، سراغ شاهرخ رفتند. بررسی ها نشان می داد مرد صراف در سفر ترکیه است. تحقیقات در این

سناریوی دروغین سرقت چهار شمش طلا از طلا فروشان کیفی با بررسی دوربین های مدار بسته خیابان لورفت. به گزارش حادثه ۲۴، چند روز قبل سه مرد جوان به پلیس مراجعه کردند و از سرقت چهار شمش طلا خبر دادند. یکی از شاکی ها زمانی که در مقابل افسر پرونده قرار گرفت، گفت: ما سه شریک هستیم که سال هاست به شکل کیفی خرید و فروش طلا انجام می دهیم. مدتی قبل چهار شمش طلا از دوست ما به نام شاهرخ که صرافی دارد، خریداری کردیم. بعد از مدتی وقتی مشتری برای شمش ها پیدا شد طبق قرار، شمش ها را به پیک موتوری که امین و معتمد ما بود، دادیم تا به خریدار تحویل دهد، اما در مسیر انتقال چند مرد نقابدار به پیک موتوری حمله و شمش ها را از او سرقت کردند. پیک موتوری موفق نشده بود چهره سارقان را ببیند اما تصور می کنیم که این سارقان از سوی شاهرخ اجیر شده باشند، چرا که او با ما اختلاف پیدا کرده بود.

وی در توضیح بیشتر ماجرا به پلیس گفت: وقتی ما شمش ها را از شاهرخ که صرافی دارد خریدیم دو ماه بعد آن ها را به ما تحویل داد. با توجه به نوسانات بازار طلا، ما حدود یک میلیارد تومان در این معامله متضرر شدیم. هر چه به شاهرخ گفتیم که این ضرر و زیان را حساب کند، قبول نکرد و سر همین موضوع هم اختلاف پیدا کردیم. حالا هم احتمال می دهیم